

## سوالات تستی عربی یازدهم انسانی - سری دوم

۱- عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ:

«و اذکرو نعمۃ الله علیکم إذ کنتم أعداء فَأَلَفَ بَیْن قُلُوبِکُمْ»:

(سراسری ۱۴۰۰)

① نعمت خداوند را خودتان یاد کنید زمانی که دشمنان همدیگر بودند سپس قلبهایتان را انس و الفت داد.

② نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان یکدیگر بودند پس بین دلهایتان انس و الفت قرار داد.

③ نعمت الله را به یاد آورید آنگاه که با یکدیگر دشمنی داشتید و قلبهایتان را نسبت به هم نزدیک کرد.

④ نعمت الله را بر خویشن یادآوری کنید موقعی که دشمن بودند و دلهایتان را به یکدیگر نزدیک کرد.

۲- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

(خارج از کشور ۱۴۰۰)

«... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدَنَا، هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمَرْسَلُونَ»:

① کسی که ما را از مرقد خود بیرون آورد، همان است که خدا وعده آن را داده بود، و مرسلین راستگو هستند!

② کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت، او همان است که رحمن به ما وعده داده بود، و پیامبران راستگو هستند!

③ چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت، این همان است که خداوند رحمن وعده داده، و رسولان راست گفته اند!

④ آنکه ما را از قبرهایمان بیرون آورد، و این همان چیزی است که خداوند وعده داده است، و پیامبر این مرسل راست گفته اند!

۳- «برتری دانشمند بر غیر خود، مانند برتری پیامبر بر امت خویش است»:

(خارج از کشور ۱۴۰۰)

- ۱) فضل العالم علی غیره، کفضل النبی علی امّته.
- ۲) فضل العالم علی الآخرين، مثل فضل نبی علی امّته.
- ۳) الفضل للعالم علی غیره، مثل فضل أنبیاء علی الامّة.
- ۴) الفضل للعالم علی أحد آخر، کفضل الأنبیاء علی الامّة.

۴- عین جواب الشرط یختلف :

- ۱) أن یقدر أحد أن یسخطک فهو قد تقلّب علیک!
- ۲) إن تغضب و تعمل بغضبك تقترب من مفسدة عظيمة!
- ۳) إن نقصد الأحمق أن ینفعل لا یقدر لأنّه یضرك بحماقته!
- ۴) إن ندرس دروسنا فی موعده نتخرج من المدرسة بعد سنة!

۵- عین الصحیح فی الترجمة: « فی الحياة الفردية من الجمیل جداً أن تجعل عدوّک صديقاً، و الأجل ألاّ یبسع قلبک للعداوة! » (سراسری ۱۴۰۰)

- ۱) در زندگی شخصی زیباست جداً که دشمن، دوست گردد و زیباتر است که قلبت برای دشمن شدن، فراخ نگردد!
- ۲) بسیار زیباست که در زندگی شخصی، دشمن خود را دوست بگردانی، و زیباتر اینکه قلبت برای دشمنی فراخ نشود!
- ۳) بسیار زیباست که در زندگی شخصی دشمن را، دوست قرار بدهی، و زیباتر اینکه قلب خود را برای دشمن گسترده نکنی!
- ۴) زیباست که در زندگی شخصی از دشمن خود دوست بسازی، و زیباتر است که قلب خود را برای دشمن شدن، گسترش ندهی!

۶- «و ما تُقَدِّمُوا لأنفسكم من خير تَجِدُوهُ عند الله»: (سراسری ۱۴۰۰)

- ۱) هرچه از نیکی‌های خود پیش بفرستید، آن‌ها را نزد الله می‌یابید!
- ۲) آنچه از کارهای خیر برای خود تقدیم کنید، آن‌ها را نزد الله باز می‌یابید!
- ۳) آنچه را از خوبی برای خودتان پیش بفرستید، آن را نزد خداوند می‌یابید!
- ۴) هرچه را از نیکویی به خودتان تقدیم کنید، آن‌ها را در نزد خداوند باز می‌یابید!

۷- عَيْنُ الصَّحِيح: «قَدَّم لِي صَدِيقِي هَدِيَّةً فِي الْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ كَانَتْ قِيَمَةً، وَ أُرْشِدَتْنِي إِلَى سَبِيلِ الْخَيْرِ» (سراسری ۱۴۰۰)

- ۱) هدیه‌ای را که دوستم از حکمت و موعظه‌ای ارزشمند به من داد، مرا به راه خیر هدایت می‌نماید.
- ۲) دوستم به من حکمت و موعظه‌ای هدیه داد که ارزشمند است، و مرا به خوب‌ترین راه هدایت می‌کند.
- ۳) هدیه‌ای که دوستم از حکمت و پند به من داد ارزشمند بود، و مرا به سمت بهترین راه‌ها هدایت کرد.
- ۴) دوستم هدیه‌ای در زمینه حکمت و پند به من تقدیم کرد که ارزشمند بود و مرا به سوی راه خیر هدایت نمود.

۸- عَيْنُ الصَّحِيح: «أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا، فَعَصَى فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ» (سراسری ۱۴۰۰)

- ۱) پیامبر را که برای فرعون مبعوث کردیم، فرعون از او اطاعت نکرد.
- ۲) به سوی فرعون رسولی فرستادیم، پس فرعون از آن رسول نافرمانی کرد.
- ۳) رسولی به سوی فرعون گسیل داشتیم، ولی فرعون از رسول ما سرپیچی کرد.
- ۴) برای فرعون آن پیامبر را ارسال کردیم، پس فرعون بر آن پیامبر عصیان کرد.

۹- عَيْنَ الصَّحِيحِ: « مَنْ يَرَى النَّاسَ صَغَارًا، كَالَّذِي هُوَ وَاقِفٌ عَلَى قِمَّةِ الْجَبَلِ، يَرَاهُ النَّاسُ صَغِيرًا أَيْضًا »  
(سراسری ۱۴۰۰)

- ① آنکه مردم در نظرش کوچکند، مثل کسی است که بر قلعه‌ای از کوه ایستاده، او هم در نظر مردم کوچک می‌نماید!
- ② هرکس مردم را کوچک دید، همچون کسی است که بر قلعه‌ای در کوه ایستاده، مردم هم او را کوچک می‌بینند!
- ③ کسی که مردم را کوچک می‌بیند، چون کسی است که بر قلعه کوه ایستاده، مردم نیز او را کوچک می‌بینند!
- ④ هرآنکه مردم را کوچک انگاشت، همان کس است که روی قلعه کوه ایستاده، مردم هم او را کوچک می‌انگارند!

۱۰- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْلُوبُ الشَّرْطِ: (سراسری ۱۴۰۰)

- ① مَنْ عَلَّمَ إِنْسَانًا أَنْقَذَهُ مِنْ ظُلْمَةِ الْجَهْلِ!
- ② مَنْ كَانَ أُسْوَةً مُنَاسِبَةً لَكُمْ فِي الْحَيَاةِ!
- ③ مَنْ يَجَالِسُ الْعُقَلَاءَ يَكْتَسِبُ فُضَائِلَ كَثِيرَةً
- ④ مَنْ عَمِلَ الْبِرَّ وَالْإِحْسَانَ وَجَدَ نَتِيجَةَ ذَلِكَ حَقًّا!

۱۱- عَيْنُ الصِّفَةِ يَخْتَلِفُ نَوْعُهَا: (سراسری ۱۴۰۰)

- ① قَرَأْنَا الْآرَاءَ الْمُتَعَدِّدَةَ فِي هَذَا الْمَوْضُوعِ فَتَفَكَّرَ فِيهِ!
- ② شَاهَدْتُ التَّلَامِيذَ يَلْعَبُونَ فِي الْمَلْعَبِ الْكَبِيرِ مَعَ أَصْدِقَائِهِمْ!
- ③ هَذَا هُوَ التَّلْمِيزُ النَّاجِحُ يَمْشِي وَيَضْحَكُ مَعَ بَقِيَّةِ التَّلَامِيذِ!
- ④ أَبِي مُزَارِعٍ يَجْتَهِدُ دَائِمًا وَلَا يَرْضَى بِأَنْ يَتْرَكَ هَذِهِ الْقَرْيَةَ!

۱۲- عَيْنُ الصَّحِيح: (خارج از کشور ۱۴۰۰)

① کاد اخی بیکی بکاء لَأَنَّ لَهُ أَلْمَا شَدِيدًا: برادرم نزدیک است از درد شدیدی که دارد، گریه کند!  
 ② طوبى لمن لا يُحَدِّثُ عَمَّا فِيهِ اِحْتِمَالُ الْكُذْبِ: خوشا به حال آنان که از هرچه احتمال دروغ دارد، سخن نگویند!

③ مَنْ لَا يَسْتَخْدِمُ الْوَقْتَ جَيِّدًا هُوَ أَوَّلُ مَنْ يَشْكُو مِنْ قَلَّتِهِ: کسی که از وقت به خوبی استفاده نمی‌کند، اولین کسی است که از کمی آن، شکایت می‌کند!

④ الْعُلَمَاءُ مِنْ يُنِيرُونَ عَقُولَ النَّاسِ بِالْعُلُومِ النَّافِعَةِ: دانشمندان همان کسانی هستند که به وسیله علوم سودمند خود، مردم را دارای عقل نورانی می‌کنند!

۱۳- عَيْنُ الصَّحِيح: «استاد موافقت کرد که امتحان را برای دانش‌آموزان به مدت دو هفته به تأخیر اندازد»:

(خارج از کشور ۱۴۰۰)

① وافق أستاذنا أن يؤجل موعد الامتحانات أسبوعين اثنين.

② توافق أستاذنا أن يتأخر الموعد للامتحان اسبوعين اثنين.

③ توافق الأستاذ أن يؤخر إمتحانات الطلاب لمدة اسبوعين.

④ وافق الأستاذ أن يؤجل الامتحان للطلاب لمدة أسبوعين.

۱۴- عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ: (سراسری ۱۴۰۰)

«الصَّدِيقُ الْقَيِّمُ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ عَذْرَكَ وَإِذَا تَعَمَلْتَ عَمَلًا خَطَا يُسَامَحُكَ وَلَا يَذْكُرُكَ بِسُوءٍ فِي غِيَابِكَ»:

دوست حقیقی همان کسی است که .....

① عذرخواهی را می‌پذیرد و به وقت انجام کار اشتباه تو را بخشیده و در نبودت ذکر بدی-  
 ات را نمی‌کند!

② عذرت را پذیرفته و هنگامی که عمل خطائی انجام دهی تو را می‌بخشد و در نبودت تو را به بدی به خاطر نمی‌آورد!

③ عذر تو را می‌پذیرد و هرگاه کار اشتباهی انجام دهی تو را می‌بخشد و در غیاب تو، از تو به بدی یاد نمی‌کند!

④ عذرخواهی تو نزد او پذیرفته است و آنگاه که خطایی انجام دهی از تو می‌گذرد و در غیبت تو، بدی‌ات را به خاطر نمی‌آورد!

۱۵- عین ما لیس فیہ اسم التفضیل:

(سراسری ۱۴۰۰)

- ① اَنَّ التَّفَكُّرَ خیر من اَىِّ شىءٍ حتَّى العبادَة!
- ② اَنَّ الجاعة خیر من الوحدة فعلیکم بالجماعة!
- ③ اِنَّ الطَّفْلَ الصَّغیر یرى کُلَّ خیرٍ فی اُمِّه و یلجأ إلیها!
- ④ قد تكون جملةٌ قصيرةٌ خیراً من جملة طویلة لیان نظرنا!

۱۶- عین الوصف یختلف عن الباقي:

(سراسری ۱۴۰۰)

- ① اِغْتَنَمُوا الفرصَ القلیلة و بدّلوها إلى فرصٍ ذهبیّة!
  - ② کُن فی الشّدائد کجزیرة لا یكون البحرُ قادراً اَنْ یبلعها!
  - ③ آثارنا التاریخیّة فخرنا و هی من أهمّ الآثار الّتی سجّلت فی ذاكرتنا!
  - ④ كانت سیّارتنا معطّلة فجعلتها فی موقف تصلیح السیارات لمدّة أسبوع واحد!
- ۱۷- « هو أستاذ عالم فی هذه اللّغ، فجادلة بالّتی هی أحسن لأنّه أعلم من فی هذه البلاد! »:

(خارج از کشور ۱۴۰۰)

- ① او استاد دانشمندی در این زبان است، پس با او با آنچه نکوتر است بحث کن زیرا او داناترین کسانی است که در این کشور هستند!
- ② او استادی دانشمند در این زبان است، لذا به نیکوترین شیوه با او بحث کن زیرا او داناتر از کسانی است که در این کشور هستند!
- ③ او استادی فاضل در این زبان است، پس بحث با او باید به نیکوترین چیز باشد چه او داناترین کسانی است که در این کشور می باشند!
- ④ او استاد فاضلی است در این زبان، لذا باید با او به روشی نیکو بحث علمی کنی چه و داناتر از آنهایی است که در این کشور می باشند!

WWW.20SHOO.IR

۱۸- عَيْنَ الصَّحِيحِ: «كثير من إختراعات الإنسان الحديثة ليست في مجال الإعمار و البناء، اأنَّه لم يستفد من جانبها النَّافع!»  
(خارج از کشور ۱۴۰۰)

۱) بسیاری از اختراعات انسان در زمینه آباد کردن و ساختن، جدید نیست زیرا او از جنبه مفید آن استفاده نمی‌کند!

۲) تعداد زیادی از اختراعات انسان در بخش آبادسازی و ساختمان بکار نرفته است، زیرا او از جنبه سودمند آن بهره نمی‌برد!

۳) بسیاری از اختراعات جدید انسان در زمینه آبادانی و ساختن نیست، زیرا او قیمت مفید آنها استفاده نکرده است!

۴) تعداد زیادی از اختراعات جدید انسان در زمره آبادانی و ساختمان نمی‌باشد، بخاطر اینکه از بخش مفید آن بهره‌برداری نشده است!

۱۹- عَيْنَ الصَّحِيحِ: «ليس هناك عظمٌ في اللسان ولكنه يستطيع أن يكسر القلوب استطاعةً، فلنراقب كلامنا»  
(خارج از کشور ۱۴۰۰)

۱) در زبان استخوانی وجود ندارد، ولی قطعاً می‌تواند دل‌ها را بشکند، پس باید مواظب سخنانمان باشیم!

۲) در زبان استخوانی نیست، اما به خوبی توانائی شکستن قلب‌ها را دارد، پس باید از سخنانمان مراقبت کنیم!

۳) استخوانی در زبان وجود ندارد، اما توانائی دارد قلب‌های دیگران را کاملاً بشکند، پس باید مراقب سخن گفتنمان باشیم!

۴) در هیچ زبانی استخوانی نیست، ولی واقعاً می‌تواند قلب‌ها را بشکند، پس باید به خوبی از سخن گفتنمان مواظبت کنیم!

۲۰- عَيْنَ الصِّفَةِ يَخْتَلِفُ نوعها:  
(خارج از کشور ۱۴۰۰)

۱) نحن نغرس الأشجار المثمرة و نأمل أن نستفيد منها!

۲) أن النِّيا عند المؤمن أهونُ من ورقةٍ تقضمها الجرادة!

۳) نقدر التَّمساحُ أن يأكلَ فريسةً أكبر من فهمه بسهولة!

۴) تُساعدُ الذاكرةُ القويَّةُ الإنسانَ على التَّعلُّمِ الأحسن!

۲۱- عین الخطأ : (خارج از کشور ۱۴۰۰)

- ① إذا أردنا أن لا نَتَعَبَ من المصائب: هرگاه بخواهیم که از مصیبت‌ها خسته نشویم.
- ② فلنقبل أن لا نحزن أنفسنا بالمشاكل الجزئية: باید بپذیریم که درونمان با مشکلات جزئی ناراحت نشود.
- ③ و كل مشاكل الدنيا للإنسان الذكي جزئية حقاً: و همه مشکلات دنیا برای انسان باهوش واقعاً جزئی است.

④ إن كنا من العقلاء لا نصبح مُزعجين أبداً: اگر از عاقلان بشیم، هرگز آزرده نمی‌شویم!

۲۲- عین الصحيح: (خارج از کشور ۱۴۰۰)

- ① حاول زميلتي أن تقلق باب حافلة المدرسة: همشاگردیم تلاش کرد که در اتوبوس مدرسه را ببندد.
- ② ولكن الباب لم يغلق و أخذت الحافلة تسير بسرعة: ولی درب بسته نشد و اتوبوس می‌خواست به سرعت حرکت کند.
- ③ تقلب الخوف على اللاتي كن قد جلسن على الكراسي الأمامية: کسانی را که در جلوی صندلی‌ها نشسته بودند ترس فرا گرفت.
- ④ لأن السائق لم يكن جالساً على كرسيه الخاص في السيارة: زیرا راننده اتوبوس هنوز در جای خود ننشسته بود.

۲۳- عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي: «أذكروا نعمة الله عليكم إذ كنتم أعداء فألف بين قلوبكم» (خارج از کشور ۱۴۰۰)

- ① الله: لفظ الجلالة - اسم - مفرد مذكر - معرفة (علم) - معرب / مضاف إليه و مجرور.
- ② أذكروا: فعل أمر - مجرد ثلاثي - متعد / فعل و فاعل، و الجملة فعلية؛ و مفعوله «نعمة».
- ③ ألف: فعل ماض - مزيد ثلاثي (من باب تفعل) - لازم - معلوم / فعل و فاعل، و الجملة فعلية.
- ④ أعداء: جمع مكسر أو تكسير (مفردة: عدو، مذكر) - نكرة / خبر «كان» من الأفعال الناقصة و منصوب.

۲۴- عَيْنُ «اللَّهُام» تَخْتَلِفُ ( في المعنى): (خارج از کشور ۱۴۰۰)

① إِنْ نَتَلَبَّ أَنْ نَتَعَلَّمَ الْعِلْمَ فَلْنَجَالِسِ الْمُتَفَقِّهِينَ!

② نَحْتَاجُ إِلَى التُّرَابِ وَ السَّمَادِ لِنَنُمُو الْوَرْدُ!

③ لِيُشَجِّعَ الْمُتَفَرِّجُونَ اللَّاعِبِينَ فِي الْمُسَابَقَاتِ!

④ إِنْ الْمُؤْمِنِينَ لِيُطْعَمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا يَأْكُلُونَ!

۲۵- عَيْنُ كَلِمَةِ «خَيْر» أَوْ «شَرٍّ» لَيْسَتْ اسْمُ تَفْضِيلٍ: (خارج از کشور ۱۴۰۰)

① خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يُسَاعِدُ الْآخِرِينَ فِي حَاجَاتِهِمُ الْيَوْمِيَّةِ.

② إِنْ تَلَوْتُ الْهَوَاءَ شَرٌّ وَ هُوَ مِنَ الْمَهْدَدَاتِ لِنِظَامِ الْبَيْعَةِ.

③ إِنْ السَّعَادَةُ بَعْدَ الْغَلْبَةِ عَلَى الْمَصَاعِبِ عَمَلُ خَيْرِ الْإِنْسَانِ.

④ هَجَمَتِ الْفِئْرَانُ عَلَى الْمَزَارِعِ، وَ هَذَا الْعَمَلُ مِنْ شَرِّ الْمَخْرَبَاتِ لِلطَّبِيعَةِ.

۲۶- عَيْنُ الصَّجِيحِ: « مَا قَلَّ عَدَدُ الْأَشْخَاصِ الْمَخْلَصِينَ الَّذِينَ نَسْتَطِيعُ أَنْ نَسْتَعِينُ بِهِمْ حَتَّى نَجِدَ طَرِيقَنَا بِسَهُولَةٍ! » (سراسری ۱۴۰۰)

① کم نشده است تعداد افراد با اخلاص که توانیم از آن‌ها یاری بجویم تا راه خود را به راحتی بیابیم!

② چه کم‌اند افرادی که مخلص باشند و بتوانیم از آن‌ها یاری بخواهیم تا راهی آسان برای خود پیدا کنیم!

③ کم نبوده است افراد مخلصی که می‌توانستیم از آن‌ها یاری بخواهیم تا اینکه راه آسان خود را پیدا کنیم!

④ کم نیست تعداد اشخاص با اخلاصی که می‌توانیم برای یاری جستن به آن‌ها روی آوریم تا راه خویش را راحت بیابیم!

۲۷- عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

عَيْنُ الْخَطَأِ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ: (سراسری ۱۴۰۰)

① أَتَمَنَّى أَنْ أَتَشَفَّ مَعَ جَمِيعِ أَعْضَاءِ السَّرَةِ لِمِيزَانَةِ مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ.

② يَجِبُ أَنْ يَكُونَ كَلَامُهُ لَيْنًا عَلَى قَدْرِ عَقُولِ الْمُسْتَمْعِينَ لِكَيْ يَقْنَعَهُمْ.

③ عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ وَ انْقَازِ حَيَاةِ فِرَاحِهِ، يَهْطِرُ بَغْتَةً.

④ أَمْرُهُمْ ذَوَالْقَرْنَيْنِ بَأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَ النَّجَاسِ فَوَضَعَهُمَا فِي ذَلِكَ الْمَضِيقِ.

۲۸- عَيْنَ الصَّحِيحِ: «رَبَّمَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَمْلِكَ بِالظُّلْمِ كُلَّ مَا تَرِيدُ، وَلَكِنْ بَدْعَاءُ مَظْلُومٍ تَفْقَدُ كُلَّ مَا قَدْ مَلَكَتُ!»  
(سراسری ۱۴۰۰)

۱) چه بسا بتوانی با ظلم هرچه را بخواهی مالک شوی، ولی با دعای یک مظلوم همه آنچه را مالک شده‌ای، از دست می‌دهی!

۲) چه بسا توانسته باشی به وسیله ظلم هرچه را دوست داری مالک شوی، اما با دعای مظلوم علیه تو همه آنچه را کسب کرده‌ای، از دست خواهی داد!

۳) شاید توانایی داشته باشی با ظلم همه آنچه را بخواهی به چنگ آوری، اما با یک نفرین مظلوم تمام آنچه را که در دستان تو است، از دست می‌دهی!

۴) شاید قادر باشی به وسیله ظلم تمام چیزهایی را که دوست داری به دست آوری، ولی با یک دعای مظلوم همه چیزهایی را که ملک شده‌ای، از دست می‌دهی!

۲۹- عَيْنَ الصَّحِيحِ: «لَا يُرْضَى أَنْ يَسَبَّ مَنْ سَخَطَهُ، وَبِحِلْمِهِ يُرْضَى اللَّهُ»  
(سراسری ۱۴۰۰)

۱) برادرم را دشنام دادن به کسی که او را خشمگین کرده خشنود نمی‌کند، و بردباریش خدا را راضی می‌نماید.

۲) برادرم را دشنام دادن کسی که او را عصبانی کرده راضی نمی‌کند، و خداوند از بردباریش راضی می‌شود.

۳) برادرم رضایت نمی‌دهد که دشنام دهد به کسی که او را عصبانی کرده، و خداوند از بردباریش خشنود می‌گردد.

۴) برادرم راضی نمی‌شود به کسی که او را خشمگین کرده است دشنام دهد، و با بردباریش خدا را خشنود می‌سازد.

۳۰- «دانش‌آموزی را می‌بینم که تمرین‌های درس را در کلاس می‌نویسد»:  
(سراسری ۱۴۰۰)

۱) شاهد طالبا یکتب تمارین الدّرس فی الصّفّ

۲) رأیت فی الصّفّ الطالب یکتب تمارین الدروس.

۳) شاهد فی الصّفّ طالبا و هو یکتب تمارین الدرس.

۴) رأیت الطالب و هو یکتب تمارین الدروس فی الصّفّ.

۳۱- عین ما لیس فی فعل یصف ما قبله: (سراسری ۱۴۰۰)

- ۱) للحرباء عین تدور کلّ اتّجاه تریده!
- ۲) لا ترفع صوتک بأیّ دلیل عندما تتکلم مع امّک!
- ۳) یقدّم لقمان مواعظ قیمه یشیر القرآن إليها!
- ۴) ألف کتاب عظیم یحصى مدنا الجذابة للسیاحة!

۳۲- عین الصّحیح: (سراسری ۱۴۰۰)

- ۱) کان صدقی ألف کتابا توجّد فیهِ قصص مفیده: دوستم کتابی تألیف کرد که در آن داستان-های مفیدی می یابی!
- ۲) للاعبی المباراة وقت محدّد یجب أداء أعمالهم فیهِ: بازیکنان مسابقه در وقت مشخص باید کارها را انجام دهند!
- ۳) اللهم اجعلنا ممّن یتوبون إلیک فتقبلهم: خدایا ما را از کسانی قرار بده که به سوی تو توبه می کنند و آنها را می پذیری!
- ۴) أن لم یتعایش النّاس بعضهم بعضا فلاسبیل لتقدّم بلدهم: مردم باید با یکدیگر هم زیستی مسالمت آمیز داشته باشند تا راهی برای پیشرفت کشورشان بیابند!

۳۳- عین ما فیهِ «اسم التفضیل» أكثر: (سراسری ۱۴۰۰)

- ۱) أعوذ من الشرور بأحسن الخالقین!
- ۲) أشرف النّاس من یكون رؤوفا للأسرة!
- ۳) أجبّ أوسط الأمور لأنّها خیر الأعمال!
- ۴) أفضلکم من هو ألین و ألطف للآخرین!

۳۴- عین «ما» لیست من أدوات النّفی: (سراسری ۱۴۰۰)

- ۱) ما استغلت أُمّی فی الاسبوع الماضي إلّا بأعمال البيت!
- ۲) ما من أسرة إلّا و هم مسرورون بزيارة بعضهم بعضا!
- ۳) ما نطلبه منکم هو اهتمامکم بالدّرس و بواجباتکم المدرسیّة!
- ۴) ما تصفّحت الكتاب إلّا لمعرفة الموضوعات الّتی جاءت فیهِ!

۳۵- عَيْنَ مَا فِيهِ لَامُ الْأَمْرِ: (سراسری ۱۴۰۰)

① أَنَارَ اللَّهُ قَلْبَنَا بِالْعُلُومِ النَّافِعَةِ لِنَذْكُرَهُ!

② تَطْلُقُ سَمَكَةُ السَّهْمِ قَطْرَاتُ الْمَاءِ لَتَسْقُطَ الْحَشْرَةُ!

③ جَلَسْنَا أَمَامَ التَّلْفَازِ لِنَشَاهِدَ فَلَمَّا رَائِعًا!

④ إِنَّ فَرَاخَ «بِرْنَاكُل» لَتَسْقُرُ وَ إِلَّا تَتَعَلَّمَ الطَّيْرَانِ!

۳۶- عَيْنُ الصَّحِيحِ: «يُمْكِنُ أَنْ تَنْسِيَ مَنْ شَارَكَكَ فِي الضَّحْكِ، لَكِنَّكَ لَنْ تَنْسِيَ مَنْ شَارَكَكَ فِي

الْبُكَاءِ أَبَدًا!» (خارج از کشور ۱۴۰۰)

① شاید هرکس که در خندیدن با تو همراه بود، فراموشت شود، اما کسی که در گریستن با تو

همراه بود فراموشت نخواهد شد!

② می‌توانی آن کس را که در خنده همراهیت کرد فراموش کنی، اما هرگز آن کس را که در

گریه همراهیت کند، فراموش نمی‌کنی!

③ می‌شود آن کسی را که در خنده با تو همراهی کرده است فراموش کنی، اما کسی را که در

گریه با تو همراهی می‌کند ابداً فراموش نمی‌کنی!

④ امکان دارد کسی را که در خندیدن با تو همراهی کرد فراموش کنی، اما کسی را که در

گریه کردن با تو همراهی کرد هرگز فراموش نخواهی کرد!

۳۷- عَيْنُ الصَّحِيحِ: «أَنَّ قَلَمَ الْعَالِمِ وَ لِسَانَهُ هُمَا أَفْضَلُ الْجُنُودِ الَّذِينَ يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يُأْفِعُوا عَنْ

ثِقَاعَةِ بِلَادِهِمْ بِأَحْسَنِ طَرِيقٍ!» (خارج از کشور ۱۴۰۰)

① قلم و زبان عالم سربازانی‌اند که قادرند از فرهنگ سرزمین خودشان به زیباترین طریق

دفاع نمایند!

② قلم عالم و زبان او همان سربازان برترند که می‌توانسته‌اند به نیکوترین راه از فرهنگ

کشورشان دفاع نمایند!

③ قلم عالم و زبان او بهترین سربازانی هستند که می‌توانند از فرهنگ کشور خود به بهترین

روش دفاع کنند!

④ قلم و زبان دانشمند همان سربازانی هستند که می‌توانند به روشی نیکو از فرهنگ

سرزمین‌های خویش دفاع کنند!

۳۸- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

(خارج از کشور ۱۴۰۰)

- ① لِلْغُرَابِ صَوْتُ يُحَذِّرُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَغِدَ عَنِ الْخَطَرِ.
- ② أَثْنَانِ وَثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى أَثْنَيْنِ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ أَرْبَعِينَ.
- ③ لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَكَ وَ أَحْسِنِ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ.
- ④ أَنَا أَتَذَكَّرُ جَبَلَ النُّورِ الَّذِي كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَتَعَبَّدُ فِي غَارٍ حِرَاءٍ الْوَاقِعِ فِي قُمَّتِهِ.

۳۹- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(خارج از کشور ۱۴۰۰)

- ① بَنَى الْمَدِيرُ سَدًّا بِخَيْرِ الْأَشْيَاءِ مِنَ الْحَدِيدِ وَ النَّحَاسِ!
- ② خَيْرُ الصَّدَقَةِ عِلْمٌ نَتَعَلَّمُهُ وَ نُعَلِّمُهُ الْآخِرِينَ فِي حَيَاتِنَا!
- ③ عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ لِأَنَّ الْكَثِيرَ خَيْرٌ مِنَ الْقَلِيلِ لِأَدَاءِ الْأَعْمَالِ!
- ④ فِي كُلِّ شَيْءٍ خَيْرٌ وَ جَمَالٌ لَا تَشَاهِدُهُمَا إِلَّا أَنْ تَنْتَبِهَ إِلَيْهِمَا!

۴۰- عَيْنٌ «مَا» تَخْتَلِفُ فِي الْمَعْنَى:

(خارج از کشور ۱۴۰۰)

- ① مَا أَحَبَّ هَذَا الطَّالِبُ أَنْ يَعْرِفَ الْآخَرُونَ فَشَلَهُ!
- ② مَا تَحْتَاجُ هَذِهِ الْغُرْفَةُ هِيَ مَكْتَبَةٌ صَغِيرَةٌ فِيهَا بَعْضُ الْكُتُبِ!
- ③ مَا أَحْسَنَ الْإِنْسَانَ لِأَحَدٍ إِلَّا وَ هُوَ يَرَى نَتِيجَةَ عَمَلِهِ بِإِحْسَانٍ أَفْضَلَ!
- ④ مَا أَخْلَصَ الْمُؤْمِنُ لِلَّهِ إِلَّا وَ يَنْابِيعُ الْحِكْمَةِ قَدْ ظَهَرَتْ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ!

۴۱- عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ:

(سراسری ۱۴۰۰)

- «أَنَّ الْبَرْنَامَجَ الَّذِي يَبْدَأُ بِالتَّعَلُّمِ الْمُنَاسِبِ يُمْكِنُ أَنْ يُحَدِّدَ حَيَاةَ الْمَرْءِ الْمُسْتَقْبَلِ، وَ هَذَا هُوَ مَكَانُ الْعِلْمِ»:
- ① بَرْنَامَه‌ای که با یادگیری خوب آغاز شده ممکن است زندگی آینده انسان را روشن کند، این موقعیت علم است!
  - ② بَرْنَامَه‌ی کسی که با یادگیری درست آغاز کرده، امکان دارد زندگیش را در آینده معین کند، این جایگاه علم است!
  - ③ بَرْنَامَه‌ی آن کس با یادگیری منایب آغاز می‌شود که بتواند زندگی فردای شخص را معلوم کند، و این همان موقعیت علم است!
  - ④ بَرْنَامَه‌ای که با یادگیری صحیح آغاز می‌شود ممکن است زندگی فرد را در آینده تعیین کند، و همان جایگاه علم است!

۴۲- عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ:

(سراسری ۱۴۰۰)

« من ملأ حياته بعمل الخير، كان يعلم أنها أقصر من أن يضيّعها بعمل الشر! »

① هر آن کس بداند که زندگی کوتاه‌تر از آن است که با عمل بد ضایع شود، آن را با عمل

خوب پر می‌کند!

② هرکس زندگیش با عمل خوب پر شده است، می‌دانسته که زندگی کوتاه‌تر است از اینکه با

عمل بد هدر رود!

③ کسی که زندگی خود را با کار خوب پر کرده است، می‌دانسته که زندگی کوتاه‌تر از این

است که آن را با کار بد تباهش کند!

④ آن کسی که زندگیش را پر از عمل خوب کرده باشد، دانسته که زندگی کوتاه‌تر است از

آنکه بتواند با عمل بد نابود شود!

۴۳- عَيْنُ «من» تَخْتَلَفُ :

(سراسری ۱۴۰۰)

① من يسأل المعلمَ تَعْنَتًا إِلَّا الطَّالِبُ المشاغِب!

② من عَمَلٍ بالقرآن فهو يفلح

③ من غير معلّمك الحنون يعلمك ما لا تعلم!

④ سيعلم الجميعُ من الفائز غذا!

۴۴- عَيْنُ الصَّحِيحِ: «جوان دروغ‌گو هنگامی که برای بار سوم دروغ گفت، نزدیک بود غرق شود»

(خارج از کشور ۱۴۰۰)

① الشابُّ الَّذِي كَذَبَ كَادَ يَغْرُقُ لَمَّا كَذَّبَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

② كَادَ الشَّابُّ الَّذِي يَكْذِبُ يَغْرُقُ لَمَّا كَذَّبَ لِلْمَرَّةِ الثَّالِثَةِ.

③ كَادَ الشَّابُّ الْكَذَّابُ يَغْرُقُ عِنْدَمَا كَذَّبَ لِلْمَرَّةِ الثَّالِثَةِ.

④ الشابُّ الْكَذَّابُ كَادَ قَدْ عَرِقَ عِنْدَمَا كَذَّبَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

۴۵- عَيْنُ الْخَطَا فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ: (خارج از کشور ۱۴۰۰)  
«الصَّيْنِ أَوَّلُ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَعْدَمَتْ نَقُودًا وَرَقِيَّةً»:

- ① ورقیه: مفرد- مؤنث- نكرة- معرف/ صفة و منصوب بالتبعية للموصوف «نقوداً»  
② أول: اسم- من الأعداد الترتيبية- مفرد- مذكر- نكرة- معرب/ خبر و مرفوع، و المبتدأ  
«الصن»  
③ العالم: اسم- مفرد مذكر- اسم الفاعل- معرف بـأل- معرب/ مجرور بحرف الجر؛ في  
العالم: جار و مجرور  
④ استخدمت: فعل ماضٍ- مزيد ثلاثي ( من باب استفعال)- متعدّ فعل و مع فاعله جملة  
فعلية و تصف ما قبلها

۴۶- عَيْنُ الصَّحِيحِ: « إِذَا كُنْتَ وَاثِقًا بِنَفْسِكَ فَإِنَّكَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُشَجِّعَ الْآخِرِينَ عَلَى أَنْ يَكُونُوا وَ  
اثْقِينَ بِنَفْسِهِمْ! » (سراسری ۱۴۰۰)

- ① هرگاه به خود اعتماد کنی، تو می توانی دیگران را به اینکه از خود مطمئن باشند، تشویق کنی!  
② اگر به خود اعتماد داشته باشی، می توانی دیگران را تشویق کنی به اینکه به خود اعتماد  
داشته باشند!  
③ زمانی که به خود اطمینان داشته باشی، دیگران را به این که به خود بااعتماد باشند، ترغیب می کنی.  
④ اگر از نفس خود مطمئن باشی، دیگران را ترغیب به این می کنی که به نفس های خودشان  
اطمینان داشته باشند!

۴۷- عَيْنُ الْخَطَا: (سراسری ۱۴۰۰)

- ① اجعل فشلك بدايةً جديدةً لنجاحك: شکست را آغازی نو برای موفقیت خود قرار بده!  
② إِذَا عَزَمْتَ أَنْ تَبْدَأَ عَمَلًا فَإِنَّكَ قَدْ قَطَعْتَ نَصْفَ الطَّرِيقِ: هرگاه تصمیم به انجام دادن کاری  
گرفتی، نیمی از راه را پیمودی!  
③ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَمَلَّأَ دَقَائِقَ حَيَاتِكَ بِالْعَمَلِ الْمُفِيدِ نَجَحْتَ: اگر بتوانی دقایق زندگی خود را  
با کار مفید پر کنی، موفق می شوی!  
④ طَلَبَ التُّلَامِيزَ مِنَ الْمَدِيرِ أَنْ يُؤَجِّلَ الْامْتِحَانَاتِ السَّبْعِيْنَ آخِرِينَ: دانش آموزان از مدیر  
خواستند که امتحانات را برای دو هفته دیگر به تأخیر بیندازد!

أقرأ النصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ اسْأَلِهِ بِمَا يَنْسَبُ لِلنَّصِّ:

«تَعْتَمِدُ ملايين من النَّاسِ فِي جَمِيعِ أَنْجَاءِ الْعَالَمِ، خَاصَّةً فِي أَفْقَرِ دُولِ الْعَالَمِ عَلَى الْمُحِيطَاتِ وَ الْبَحَارِ، فَإِنَّهَا مُؤَثِّرَةٌ بِشَكْلِ أَسَاسِيٍّ فِي إِيجَادِ فَرَصِ الْعَمَلِ وَ كَذَلِكَ الْحَصُولِ عَلَى الْغِذَاءِ وَ الْاِحْتِيَاجَاتِ الْيَوْمِيَّةِ! أَنَّ الْبِلَادَ الْمَجَاوِرَةَ لِهَذِهِ النُّعْمَةِ الْكَبْرَى تَسْتَفِيدُ مِنْهَا بِأَشْكَالٍ مُخْتَلِفَةٍ فِي مَجَالِ تَنْمِيَةِ اقْتِصَادِهَا وَ نُمُوِّهَا؛ فَأَنَاءُهَا إِضَافَةٌ إِلَى أَنَّهَا مَصَادِرُ مِنَ النِّعَمِ الْغِذَائِيَّةِ وَ غَيْرِهَا فَهِيَ فَرَسَةٌ ذَهَبِيَّةٌ لِيَجْذِبَ السَّيَّاحَ وَ الْمَسَافِرِينَ مِنْ جَمِيعِ بِلَادِ الْعَالَمِ لِلتَّفَرُّجِ وَ التَّلَذُّذِ! وَ أَمْرُ الْجَدِيرِ بِالذِّكْرِ هُوَ أَنَّ النُّقْلَ الْبَحْرِيَّ أَصْبَحَ الْآنَ أَحَدَ طُرُقِ الْاِتِّتَالِ اأَسَاسِيَّةِ بَيْنَ الْبِلَادِ، فَلِذَلِكَ يَعَدُّ مِنْ عَوَامِلِ تَنْشِيطِ الْاِقْتِصَادِ! وَ أَخِيرًا مَا تَجِبُ مُرَاعَاتُهَا هِيَ أَنَّ الْبَحَارَ لَيْسَتْ مَكَانًا لِلنَّفَايَاتِ فَإِنَّ عَدَمَ رِعَايَةِ هَذَا الْأَمْرِ يُسَبِّبُ هَلَاكَةَ الْإِنْسَانِ بِيَدِهِ!»

٤٨- عَيِّنْ مَا لَمْ يُذْكَرْ فِي النَّصِّ: (سراسری ١٤٠٠)

١) أَثَرُ الْبَحَارِ فِي الْهَوَاءِ النَّقِيِّ!

٢) الْبَحَارُ وَ أَثَرُهَا عَلَى أَمْلَاءِ سَاعَاتِ الْفَرَاغِ!

٣) حَيَاةُ النَّاسِ وَ أَثَرُ الْبَحَارِ عَلَيْهَا!

٤) أَثَرُ الْبَحَارِ فِي تَوَاصُلِ الْبِلَادِ بَعْضُهَا بِبَعْضٍ!

٤٩- عَيِّنْ مَا لَيْسَتْ مِنْ فَوَائِدِ الْبَحَارِ: (سراسری ١٤٠٠)

١) إِيجَادُ مَنْظَّمَاتِ النُّقْلِ!

٢) هِيَ أَمَاكِنُ لِنَفَايَةِ الْمَصَانِعِ!

٣) تَأْسِيسُ الشَّرَكَاتِ الْغِذَائِيَّةِ!

٤) شَوَاطِئُهَا أَمَاكِنُ لِلِاسْتِرَاحَةِ!

٥٠- كَيْفَ يَقْتُلُ الْإِنْسَانُ نَفْسَهُ؟ (سراسری ١٤٠٠)

١) بِتَلْوِثِ مِيَاهِ الْبَحَارِ

٢) بِعَدَمِ تَنْمِيَةِ اقْتِصَادِ بِلَادِهِ بِالْبَحَارِ

٣) بِالِاسْتِفَادَةِ مِنَ النَّفَايَاتِ

٤) بِالْقَاءِ مَا بَقِيَ مِنْ طَعَامِهِ فِي الْبَحْرِ

٥١- الْعِنَوَانُ الْمُنَاسِبُ لِلنَّصِّ هُوَ ..... (سراسری ١٤٠٠)

١) مَصَادِرُ الْبَحَارِ الْغِذَائِيَّةِ!

٢) أَهْمِيَّةُ الْبَحَارِ!

٣) أَثَرُ النَّفَايَاتِ فِي الْبَحَارِ!

٤) النُّقْلُ الْبَحْرِيَّ!

۵۲- عین الخطأ فی الأعراب و التحلیل الصرفی: (سراسری ۱۴۰۰)  
«تعتمد»:

- ۱) فعل مضارع- له ثلاثة حروف أصلية و هي «ع م د» و ماضيه «اعتمد» على وزن «افتعَل»
- ۲) مضارع- للمؤنث الغائب- مصدره «اعتماد»/ فعل و فاعله «المليارات» و الجملة فعلية
- ۳) فعل مضارع- حروفه الأصلية ثلاثة «ع ت م» و مصدره «اعتماد/م على وزن «إففعال»/ فاعله «المليارات»
- ۴) مضارع- للمفرد المؤنث الغائب- له حرفان زائدان، ماضيه «اعتمد» و مصدره «اعتماد» على وزن «اففعال»

۵۳- «أصبح»:

- ۱) فعل ماضٍ- للغائب- من الأفعال الناقصة بمعنى «صار»- حرفه الزائد: الهمزة
  - ۲) فعل ماضٍ- من الأفعال الناقصة بمعنى «كان» وزنه «أفعل» و مصدره «إفعال»
  - ۳) ماضٍ- للمفرد المذكر الغائب- له حروف ثلاثة أصلية و حرف واحد زائد، مصدره «إصبح»
  - ۴) ماضٍ- للمفرد المذكر الغائب- على وزن «أفعل» و وزن مصدره: إفعال- له حرف واحد زائد
- ۵۴- «أفقر»:

- ۱) مفرد مذكر- اسم تفضيل- مجرور بحرف الجر؛ في أفقر: جارّ و مجرور
- ۲) اسم- اسم تفضيل ( جمعه على وزن «أفاعل»)- فعله: «فقر» و مصدره: «فقر»
- ۳) مفرد مذكر- اسم تفضيل ( به معنى «ترين»، و هو مضاف)- مجرور بحرف الجر «في»
- ۴) اسم- مفرد مذكر- اسم تفضيل- ( مؤنثه على وزن «أفعلة» و و جمعه على وزن «أفاعل»)

۵۵- عین ما فيه اسم التفضيل:

- ۱) لا خير لنا في مُصاحبة لاإنسان الكذاب!
- ۲) ما تُقدّموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله!
- ۳) جهّز نفسك لِشَرِّ الأشياء و عليك أن ترجو خيرها!
- ۴) جعل الله في كلّ نعمة خيرا إن لم نُبدّلها إلى شراً!

۵۶- عَيْنٌ مَا لَيْسَ مُعَادِلًا لِلْمَاضِي الْاِسْتِمْرَارِي فِي الْفَارْسِيَّةِ: (سراسری ۱۴۰۰)

① كَانَ التَّلَامِيذُ يَقْذِفُونَ الْكُرَّةَ حَتَّى تَدْخُلَ الْمَرْمَى!

② كَانَ ذَلِكَ الْكِتَابَ يَضُمُّ الْكَلِمَاتَ الْفَارْسِيَّةَ وَالْعَرَبِيَّةَ!

③ كَانَ أَبِي يَأْمُرُنِي بِمَدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا يَأْمُرُنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ!

④ كَانَ طَعْمُ الرِّتْقَالِ الَّذِي يَنْبَتُ فِي شِمَالِ إِيرَانَ لَذِيذًا!

۵۷- عَيْنُ الصَّحِيحِ: «إِنْ ذَهَبْنَا مِنْ نَفْسِ الطَّرِيقِ الَّذِي كُنَّا نَصِلُ إِلَيْهِ دَائِمًا!» (سراسری ۱۴۰۰)

① إِنْ أَزْهَى رَهِیْ بَرُویمْ کِهْ هَمِیشَهْ مِیْ رَفْتِیمْ، بَهْ آنْ مَکَانِیْ مِیْ رَسِیمْ کِهْ قَبْلًا رَسِیدَهْ اِیمْ!

② إِنْ أَزْهَى رَهِیْ رَفْتِیمْ کِهْ قَبْلًا رَفْتَهْ بُوْدِیمْ، بَهْ هَمَانْ مَحَلِّیْ کِهْ دَائِمًا مِیْ رَسِیدِیمْ، رَسِیدَهْ اِیمْ!

③ إِنْ أَزْهَى هَمَانْ رَهِیْ رَفْتِیمْ کِهْ دَائِمًا رَفْتَهْ بُوْدِیمْ، بَهْ آنْ مَحَلِّیْ کِهْ هَمِیشَهْ مِیْ رَسِیدِیمْ، مِی-

رَسِیمْ.

④ إِنْ أَزْهَى هَمَانْ رَهِیْ بَرُویمْ کِهْ اَزْ قَبْلِ مِیْ رَفْتِیمْ، بَهْ هَمَانْ مَکَانِیْ مِیْ رَسِیمْ کِهْ هَمِیشَهْ مِی-

رَسِیدِیمْ!

۵۸- عَيْنُ الصَّحِيحِ: «مَنْ يُؤْمِنُ بِأَنَّهُ سَيَنْجَحُ فِي طَرِيقِهِ، لَا شَكَّ أَنَّهُ قَدْ اسْتَطَاعَ أَنْ يُوَصِلَ نَفْسَهُ إِلَى

نِصْفِ الطَّرِيقِ!» (سراسری ۱۴۰۰)

① هَرْکَسْ اِیْمَانْ دَاشْتَهْ بَاشَدْ کِهْ اَوْ دَرْ رَهِشْ پِیْرُوزْ خَوَاهدْ شَدْ، شَکِّیْ نِیْسْتْ کِهْ خُودَشْ مِی-

تَوَاندْ بَهْ نِیمَهْ رَهِ بَرَسَدْ!

② آنْ کَسْ کِهْ اِیْمَانْ دَاشْتْ کِهْ دَرْ آئِندَهْ دَرْ رَهِ خُودْ مَوْفَّقْ خَوَاهدْ شَدْ، حَتْمًا خُودْ تَوَانِستَهْ

اِستْ بَهْ اَوَاسطْ رَهِ بَرَسَدْ!

③ کِسیْ کِهْ اِیْمَانْ دَاشْتَهْ بَاشَدْ بَهْ اِیْنِکِهْ دَرْ رَهِشْ مَوْفَّقْ خَوَاهدْ شَدْ، بَیْ شَکْ تَوَانِستَهْ اِستْ

خُودْ رَاْ بَهْ نِیمَهْ رَهِ بَرَسَاندْ!

④ هَرْ آنْ کَسْ کِهْ اِیْمَانْ دَاردْ بَهْ اِیْنِکِهْ دَرْ مَسِیرَشْ پِیْرُوزْ خَوَاهدْ شَدْ، قَطْعًا خَوَاهدْ تَوَانِستْ کِهْ

خُودْ رَاْ بَهْ اَوَاسطْ مَسِیرْ بَرَسَاندْ!

۵۹- عَيْنُ الصُّحَيْحِ: «كَانَ رَجَالُ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ يَنْهَبُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ مِنْ طَرِيقِ ذَلِكَ الْمَضِيقِ حَتَّىٰ أَغْلَقَ بَسَدٌ عَظِيمٌ مِنَ الْحَدِيدِ وَالنَّحَاسِ الْمَذَابِ» (سراسری ۱۴۰۰)

① مردان این دو قبیله اموال مردم را از راه آن تنگه به یغما می‌برند تا اینکه با سدّ بزرگی از آهن و مس ذوب شده، بسته شد.

② مردان آن دو قبیله اموال مردمان را از طریق این تنگه غارت کردند تا اینکه به وسیله سدّ بزرگی از آهن و مس مذاب، بسته شد.

③ بزرگان این دو قبیله دارائی‌های مردم را از راه آن تنگه به یغما می‌برند تا اینکه با سدّی بزرگ از مس و آهن آب شده بسته شود.

④ بزرگان آن دو قبیله دارایی‌های مردمان را از طریق آن تنگه غارت می‌کردند تا اینکه به وسیله سدّی بزرگ از مس و آهن آن را بستند.



WWW.20SHOO.IR